

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۰۸/۱۷

تاریخ بررسی مقاله: ۹۰/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۰۲/۱۱

مجله دست آوردهای روان‌شناختی

(علوم تربیتی و روان‌شناسی)

دانشگاه شهید چمران اهواز، بهار و تابستان ۱۳۸۹

دوره چهارم، سال ۱۷-۳، شماره ۱

صص: ۱۴۰-۱۱۹

سنخ‌شناسی فرزندپروری خانواده (ترکیب سبک فرزندپروری پدر و مادر) و تأثیر آن بر سبک‌های یادگیری نوجوانان

عبدالله معتمدی *

محمد یاسین سیفی **

سارا کلاتری میبیدی ***

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین اثر سنخ‌شناسی فرزندپروری خانواده (ترکیب سبک فرزندپروری پدر و مادر) بر سبک‌های یادگیری فرزندان می‌باشد. بدین منظور نمونه‌ی ۴۰۰ نفری از دانش‌آموزان مقطع راهنمایی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ به روش خوشه‌ی چند مرحله‌ی انتخاب و با آزمون‌های سبک‌های یادگیری کلب و سبک‌های فرزندپروری اصلاح شده‌ی شفر مورد آزمون قرار گرفتند. جهت تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس استفاده گردید. تحلیل یافته‌ها نشان داد سنخ فرزندپروری در برگزیده‌ی دو والد مقتدر، به طور معناداری نمره‌های بالاتری را در شیوه‌ی یادگیری تجربی عینی به دست آورده‌اند. مقایسه‌ی نمره‌های شیوه‌ی یادگیری مشاهده‌ی تأملی در نوجوانان نشان می‌دهد که بین گروه‌های مورد بحث تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. سنخ‌های فرزندپروری مادر مستبد/ پدر مستبد، مادر بی‌تفاوت/ پدر سهل‌گیر و مادر بی‌تفاوت/ پدر بی‌تفاوت به طور معناداری نمره‌های بالاتری را در شیوه‌ی یادگیری مفهوم‌سازی انتزاعی به دست آورده‌اند. و بالاخره نوجوانان خانواده‌های دارای سنخ‌های فرزندپروری مادر مقتدر/ پدر مقتدر، مادر سهل‌گیر/ پدر مقتدر و نیز مادر سهل‌گیر/ پدر سهل‌گیر نسبت به سایر سنخ‌ها نمره‌های بالاتری را در شیوه‌ی یادگیری آزمایشگری فعال به دست آورده‌اند.

کلیدواژگان: سنخ‌شناسی فرزندپروری، خانواده، سبک یادگیری، نوجوانان

a_moatamedy@yahoo.com

mseifi79@gmail.com

* استادیار دانشگاه علامه طباطبایی

** مدرس دانشگاه پیام نور مرکز بروجن (نویسنده مسؤل)

*** کارشناس ارشد روان‌شناسی

مقدمه

هر یادگیرنده‌ی بی که وارد محیط یادگیری می‌شود، دارای ویژگی‌هایی است که پیش‌نیاز یادگیری او به شمار می‌روند. به این ویژگی‌ها، رفتارهای ورودی گفته می‌شود. این رفتارها دارای جنبه‌های شناختی، عاطفی و روانی- حرکتی است (سیف، ۱۳۷۹: ۱۶۲). یکی از عامل‌هایی که فرد را به موقعیت یادگیری می‌آورد، سبک یادگیری^۱ است. سبک‌های یادگیری؛ باورها، ترجیح‌ها و رفتارهایی هستند که افراد به کار می‌برند تا به یادگیری آنان در یک موقعیت معین کمک کند. همچنین به روش‌هایی اشاره دارند که با بهره‌گیری از آنها، افراد مفاهیم، قوانین و اصولی را برای خود به وجود می‌آورند که آنان را در برخورد با موقعیت‌های جدید هدایت می‌کند (کلب، ۱۹۸۵: ۱۶۳). پترسون و همکاران (۲۰۰۹: ۵۲۰) در تعریفی جدیدتر سبک‌های یادگیری را خزانه‌ی روانشناختی از فرایندها و راهبردهای ترجیحی برای یادگیری می‌دانند که به هنگام یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرند. این فرایندهای ترجیحی ممکن است شناختی، عاطفی، انگیزشی یا رفتاری باشند و جنبه‌های اجتماعی و فردی عملکرد یادگیری فرد را شکل می‌دهند. سبک‌های یادگیری روش‌های ترجیحی فردی برای پاسخدهی به تکالیف یادگیری هستند که بر حسب محیط یا زمینه تغییر می‌کنند. سبک‌های یادگیری دارای انواع مختلفی هستند و می‌توان آنها را در سه دسته عمده شناختی، عاطفی و فیزیولوژیک جای داد. سبک یادگیری شناختی عبارتست از روشی که فرد موضوع را ادراک می‌کند، اطلاعات را به خاطر می‌سپارد، در مورد مطالب می‌اندیشد و مسائل را حل می‌کند. در مورد سبک‌های یادگیری شناختی تقسیم‌بندی‌های متفاوتی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به سبک‌های وابسته به زمینه^۲ و ناپسته به زمینه^۳ (ولفولک^۴، ۱۹۹۵: ۱۲۶)، سبک‌های تکانشی^۵ و تأملی^۶ (بایر و اسنومن، ۱۹۹۳؛ به نقل از ولفولک، ۱۹۹۵: ۱۳۲) و سبک‌های یادگیری همگرا^۷،

-
- 1- learning style
 - 2- field dependence
 - 3- field independence
 - 4- woolfolk
 - 5- impulsive
 - 6- reflective
 - 7- convergent

واگرا^۱، جذب‌کننده^۲ و انطباق‌یابنده^۳ (کلب^۴، ۱۹۸۵: ۲۲۱) اشاره نمود.

مدل فرایند یادگیری کلب، یک پیوستار چهار مرحله‌یی را ارائه می‌دهد. هر فردی از سبک یادگیری ویژه‌یی برخوردار است و در فرایند یادگیری خود با ترکیبی از چهار شیوه‌ی یادگیری مواجه می‌شود. این پیوستار اولاً نگرش افراد را نسبت به تکلیف (ترجیح انجام دادن در برابر مشاهده کردن) و ثانیاً پاسخ هیجانی آنها (ترجیح فکر کردن در برابر احساس کردن) را در بر دارند. به طور کلی این مدل در بردارنده‌ی چهار رجحان اصلی است که به روش‌های یادگیری متفاوتی می‌انجامد از جمله انجام دادن (آزمایشگری فعال)، مشاهده کردن (مشاهده تأملی)، احساس کردن (تجربه عملی) و فکر کردن (مفهوم‌سازی انتزاعی) (خزایی، ۱۳۸۵: ۶۷). اگرچه با ترکیب این شیوه‌های چهارگانه، سبک‌های چهارگانه‌یی به دست می‌آید، اما در این پژوهش همین شیوه‌های چهارگانه مورد بررسی قرار گرفته است.

یکی دیگر از عامل‌هایی که فرد با خود به شرایط یادگیری می‌آورد و می‌تواند سایر رفتارهای ورودی عاطفی و شناختی از جمله سبک یادگیری فرد را تحت تأثیر قرار دهد، سبک فرزندپروری والدین است. خانواده شبکه‌یی از تجربه‌های ارتباطی را به وجود می‌آورد که از طریق آن فرد هنر تکلم، تعامل، گوش دادن، مذاکره و همه‌ی آنچه را که در عادات یادگیری و مطالعه مهم است، می‌آموزد. لذا والدین نقش محوری را در رفتارهای تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند (بالسویک و ماکریدس، ۱۹۷۵: ۵۴). تحقیق‌های پیشین نشان می‌دهند کودکان والدین مقتدر بدون توجه به سن، عملکرد بهتری در مدرسه داشته، مشکلات کمتری دارند و سازگاری عاطفی بهتری نسبت به سایر کودکان نشان می‌دهند (مک کویی و مارتین، ۱۹۸۳: ۹۹). نقش محیط در یادگیری تا آنجا مهم است که اگر غنی‌سازی و حمایت محیطی تأمین نگردد، هیچکدام از تکنیک‌های آموزش مؤثر واقع نخواهد شد. در دنیای پر از ارتباط‌های گسسته، تعهدهای گسسته و قلب‌های شکسته، وجود ارتباط‌های حمایتی برای دانش‌آموزان بسیار مهم است (والکر، ۲۰۰۰: ۵۸).

بامریند (۱۹۷۱؛ به نقل از سیمونز و کانگر، ۲۰۰۷: ۲۱۹) بعد کنترل والدینی را برای

-
- 1- divergent
 - 2- assimilate
 - 3- accomodate
 - 4- kolb

مشخص نمودن سه سبک فرزندپروری استفاده کرد. این سبک‌ها عبارتند از سبک مستبدانه یا سلطه‌گر که شامل قوانین اجباری و سخت و سطوح پایین پذیرش است. سبک مقتدر که ترکیبی از کنترل و حمایت و علاقمندی منطقی است و اعمال قوانین ثابت همراه با نشان دادن پذیرش در این دسته از والدین یافت می‌شود و سبک سهل‌گیر که با سطوح پایین کنترل مربوط است. مک‌کویی و مارتین (۱۹۸۳: ۹۹) کارهای بامریند را با افزودن پذیرش والدینی به عنوان بعد دوم توسعه بخشیدند و با استفاده از دو بعد کنترل (سخت‌گیری) و پذیرش، سبک‌شناسی چهارگانه‌ی را برای سبک‌های والدینی شکل داده‌اند.

جدول ۱. ترکیب پذیرش و کنترل در ایجاد سبک فرزندپروری

کنترل پایین	کنترل بالا	
سهل‌گیر	مقتدر	پذیرش بالا
بی‌اعتنا	مستبد	پذیرش پایین

بولاندا (۲۰۰۴: ۴۲) در پژوهشی شیوه‌های فرزندپروری را در یک بافت وسیع اجتماعی تحلیل کرد. نتیجه‌های این تحلیل، شیوه‌های فرزندپروری توصیف شده در مدل کارکرد خانوادگی بامریند را تأیید کرد. این سبک‌شناسی چهار وجه زیر را در بر می‌گیرد؛ سبک فرزندپروری سهل‌گیر که سطوح بالای پذیرش و سطح پایین کنترل و تأثیرهای والدینی را بر ظاهر و رفتارهای نوجوان اعمال می‌کند. سبک فرزندپروری بی‌اعتنا که در آن نوجوان احساس می‌کند مورد انتقاد واقع می‌شود، انتظارهای والدین غیرمنطقی است و حمایت کافی از وی به عمل نمی‌آید. در واقع کنترل و پذیرش هر دو در حد پایین قراردارند، سبک فرزندپروری مقتدر که سطوح بالای پذیرش را اعمال می‌کند اما بر خلاف سبک اول با سطوح بالای حمایت، کنترل و تأثیر والدین بر ظاهر و رفتار نوجوان همراه است. و بالاخره سبک فرزندپروری مستبد یا سلطه‌گر که با سطوح پایین تر پذیرش، همراه با سطوح بالای کنترل شناخته می‌شود.

از آنجا که نوجوانی گذر از روابط وابسته‌ی پدر و مادر به روابط مستقل با آنهاست، نظام

فرزندپروری می‌تواند نقش وحدت بخشی را در کمک به نوجوان برای رویارویی با این چالش بزرگ ایفا کند (مک کنی و رنک، ۲۰۰۸: ۸۱۱). اگر چه پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهند کودکان از داشتن والدین مقتدر بیشترین سود را می‌برند، اما اکثر این پژوهش‌ها روی مادر متمرکز بوده‌اند (مارسیگلیو و همکاران، ۲۰۰۰: ۱۱۷۹). پژوهشگران بیشتر سبک فرزندپروری مادر را ارزیابی کرده و اینگونه تصور می‌کنند که پدران نیز از همان سبک پیروی کرده‌اند. اما متأسفانه اطلاعات ناچیزی در مورد صحت این تصور در دست است و این در حالی است که برخی محققین معتقدند ترکیب‌های متفاوت شیوه‌های فرزندپروری پدران و مادران با سازگاری و سلامت نوجوانان ارتباط دارد (مک کنی و رنک، ۲۰۰۸: ۸۱۲). به طور کلی باید گفت اطلاعات چندانی در راستای تأیید تشابه سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر در دست نیست و انتظار می‌رود که آنها اغلب روش‌های متفاوت سرپرستی را در پیش گرفته باشند (سیمونز و کانگر، ۲۰۰۷: ۲۱۹). تحقیقات متعددی نشان داده‌اند که پدران و مادران در طیف وسیعی از ویژگی‌های لازم برای فرزندپروری با هم متفاوتند. به عنوان مثال تفاوت بین پدران و مادران در مدت زمانی که با نوجوانان خود سپری می‌کنند کاملاً مستند و روشن است؛ پدران در قیاس با مادران وقت کمتری را به فرزندانشان اختصاص می‌دهند (به عنوان مثال لویس و لمب، ۲۰۰۳: ۲۲۳؛ رنک و همکاران، ۲۰۰۳: ۳۰۹). بولاندا (۲۰۰۴: ۴۲) و نیز ساباتینی و لیپر (۲۰۰۴: ۲۲۰) معتقدند پدران با دیدگاه سنتی نسبت به پدران آزاداندیش کمتر در امور فرزندپروری دخالت می‌کنند. به طور کلی مادران تمایل بیشتری به گرمی، حمایت و داشتن روابط نزدیک با فرزندانشان دارند. همچنین مادران بیشتر از سبک مقتدر سود می‌برند در حالی که پدران در پرورش فرزندان پسر از سبک مقتدر و درباره‌ی فرزندان دختر از سبک مستبد استفاده می‌کنند (لیبل و کارلو، ۲۰۰۴: ۷۷۹). این یافته‌ها حاکی از آن است که پدران و مادران لزوماً از سبک مشابهی پیروی نمی‌کنند و تنها سبک فرزندپروری مادر نمی‌تواند نماینده‌ی کل خانواده باشد. بنابراین باید دید چگونه روش‌های متفاوت فرزندپروری پدر و مادر بر جنبه‌های مختلف رشد کودک تأثیر می‌گذارند. پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که سنخ‌های متفاوت فرزندپروری خانواده می‌تواند بر شیوه‌های یادگیری فرزندان تأثیر بگذارد؟ پژوهش‌ها نشان می‌دهند سبک فرزندپروری مقتدر پیامدهای تحصیلی بهتری را برای

دانش‌آموزان به همراه دارد. ابار و همکاران (۲۰۰۹: ۲۶۱) معتقدند سبک فرزندپروری مقتدر با سطوح بالای عملکرد دانشگاهی ارتباط دارد و در مقابل سبک فرزندپروری استبدادی پدران رابطه‌ی منفی معناداری با مهارت‌های ادراکی و درک مطلب دارد (روپنارین و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۴۰). پژوهش دیگری نشان داده است که فرزندان خانواده‌های مقتدر از راهبردهای پیشرفت سازگارانه‌تری سود می‌برند که ویژگی این راهبردها سطوح پایین انتظار شکست و فعالیت‌های نامرتب با تکلیف و استفاده بیشتر از اسنادهای تعالی بخش است و در مقابل نوجوانان خانواده‌های بی تفاوت از راهبردهای ناسازگارانه شامل سطوح بالای انتظار شکست و فعالیت‌های نامرتب با تکلیف و سطوح پایین اسنادهای تعالی بخش، بیشتر استفاده می‌کنند (آنولا و همکاران، ۲۰۰۰: ۲۰۹). واگن و همکاران (۲۰۰۹: ۷۳۰) نیز دریافتند که سبک‌های خاص یادگیری با سبک‌های دلبستگی مرتبط‌اند به گونه‌یی که بین سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با سبک‌های یادگیری رقابتی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. با این وجود هیچگونه پژوهش مدونی در مورد سنخ‌های فرزندپروری خانواده و سبک‌های یادگیری یافت نشد. سؤال اساسی این پژوهش این است که آیا سنخ‌های متفاوت فرزندپروری خانواده می‌توانند باعث ایجاد سبک‌های یادگیری متفاوت در فرزندان شوند؟ به بیان دیگر این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا در سبک یادگیری نوجوانان دارای سنخ‌های فرزندپروری متفاوت در خانواده، تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش پژوهش

نمونه‌ی این پژوهش از بین دانش‌آموزان سال دوم و سوم دبیرستان‌های دولتی عادی پسرانه شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ (که با هر دو والد خود زندگی می‌کردند) به صورت تصادفی چند مرحله‌یی انتخاب شد. بدین صورت که ابتدا از بین ۵ ناحیه‌ی آموزش و پرورش اصفهان که مجموعاً ۵۶ دبیرستان پسرانه را در بر می‌گیرد، ۳ ناحیه به صورت تصادفی انتخاب شد. در مرحله‌ی دوم به صورت تصادفی از هر ناحیه ۵ دبیرستان انتخاب گردید. از آنجا که طبقه‌ی اقتصادی اجتماعی می‌تواند با سبک یادگیری فرد تداخل کند و از طرفی نتیجه‌ی پژوهش‌ها در ایران نشان می‌دهد، سواد پدر مهمترین معیار طبقه اجتماعی خانواده

می‌باشد (کلبعلی، ۱۹۹۴: ۱۲۶). لذا فقط افرادی انتخاب شدند که سواد پدر حداقل دیپلم و حداکثر کارشناسی باشد تا بدین وسیله تأثیرهای احتمالی طبقه‌ی اقتصادی و اجتماعی نیز کنترل شود. لذا از بین تمام دانش‌آموزان کلاس‌های دوم و سوم که -از نظر تحصیلات پدر و زندگی با هر دو والد- شرایط ورود به پژوهش را دارا بودند، با استناد به پیشینه‌ی پژوهش ۴۰۰ دانش‌آموز به صورت تصادفی انتخاب گردید. دانش‌آموزان سال اول به دلیل تحمل استرس‌های خاص حاصل از تغییر مقطع تحصیلی در این پژوهش شرکت داده نشدند. همچنین به دلیل تأکید برخی پژوهش‌ها بر وجود تفاوت‌های جنسیتی در سبک فرزندپروری، یعنی تفاوت رویکرد والدین در تربیت فرزندان پسر و دختر، با حذف دانش‌آموزان دختر تأثیر جنسیت کنترل شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های زیر استفاده شد:

الف) پرسشنامه اصلاح شده شیوه‌های فرزندپروری شفر: در این پژوهش به مقوله فرزندپروری از نگاهی نو نگریسته شده است. ابتدا سبک فرزندپروری پدر و مادر به طور جداگانه شناسایی شد. سپس ترکیب سبک فرزندپروری پدر و مادر به عنوان سنخ فرزندپروری خانواده در نظر گرفته شد. برای این منظور از پرسشنامه اصلاح شده شیوه‌های فرزندپروری شفر ۱۹۶۰ (سیفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۸۸) استفاده شد. از آنجا که گویه‌های فرم اصلی پرسشنامه جهت سنجش سبک فرزندپروری خانواده طراحی شده است، و سبک فرزندپروری پدر و مادر را از هم تفکیک ننموده، لذا برای انجام این تفکیک گویه‌های پرسشنامه مذکور به گونه‌ی تغییر یافته که سؤالات تنها متوجه پدر یا مادر باشد و بدین شکل دو فرم موازی جداگانه جهت سنجش سبک فرزندپروری پدر و مادر به دست آمده است. برای هر دو پرسشنامه جدید، روایی و پایایی مطلوبی به دست آمد. پایایی دو آزمون سبک فرزندپروری پدر و مادر بر اساس ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۹۱ می‌باشد. همچنین پایایی به روش بازآزمایی این دو آزمون به ترتیب ۰/۶۹ و ۰/۷۳ به دست آمد، که همه‌ی مقادیر زیر در سطح $p < 0/01$ معنادارند. روایی همزمان این دو مقیاس نیز با پرسشنامه‌ی فرزندپروری بامریند به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۷۱ می‌باشد (سیفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۸۸). این پرسشنامه دارای ۷۷ گویه است که گویه‌های ۱ تا ۴۲ بُعد محبت و ۴۳ تا ۷۷ بُعد کنترل را می‌سنجد. پاسخ‌ها بر روی مقیاس لیکرتی از ۱ تا ۵ نمره دریافت می‌کنند، لذا هر فرد در بُعد محبت بین ۴۲ تا ۲۱۰ و در بُعد کنترل از ۳۵ تا ۱۷۵ نمره می‌گیرد. این پرسشنامه برای مادران و پدران به طور

جداگانه نمره‌گذاری می‌شود و بر اساس نمره‌ی به دست آمده در دو بُعد پذیرش و کنترل سبک فرزندپروری هر یک از والدین شناسایی می‌گردد. بدین صورت که افرادی که در دو بُعد کنترل و پذیرش بالاتر از میانگین باشند در گروه مقتدر یا دموکرات، افرادی که در هر دو بُعد پایین‌تر از میانگین باشند به عنوان افراد بی‌اعتنا، افرادی که نمره‌ی کنترل کمتر از میانگین ولی پذیرش بالای میانگین داشته باشند به عنوان سهل‌گیر و کسانی که کنترل بالاتر از میانگین و پذیرش پایین‌تر از میانگین داشته باشند در گروه مستبد قرار می‌گیرند.

ب) پرسشنامه (سیاهه) سبک‌های یادگیری (LSI)^۱: پرسشنامه‌ی سبک‌های یادگیری در سال ۱۹۸۵ توسط دیوید کلب تدوین شد. این پرسشنامه شیوه‌های یادگیری افراد را در دو بُعد، تجربه‌عینی - مفهوم‌سازی انتزاعی و مشاهده‌تأملی - آزمایشگری فعال مورد سنجش قرار می‌دهد که از ترکیب این ابعاد ۴ سبک یادگیری همگرا، واگرا، جذب‌کننده و انطباق‌یابنده به دست می‌آید. این پرسشنامه از ۱۲ جمله تشکیل شده است که برای هر جمله ۴ گزینه پیشنهاد شده است. آزمودنی پاسخ پیشنهادی را با توجه به نحوه‌ی یادگیری خود از نمره‌ی ۴ تا ۱ رتبه‌بندی می‌کند. در نهایت ۴ نمره‌ی کلی برای ۴ شیوه‌ی یادگیری به دست می‌آید که نمره‌ی کل اول یعنی جمع نمره داده شده به گزینه‌های ۱ به عنوان شیوه‌ی یادگیری تجربه‌عینی^۲ (CE)، نمره‌ی کل دوم یعنی جمع نمره داده شده به گزینه‌های ۲ به عنوان شیوه‌ی یادگیری مشاهده‌ی تأملی^۳ (RO)، نمره‌ی کل سوم یعنی جمع نمره داده شده به گزینه‌های ۳ به عنوان شیوه‌ی یادگیری مفهوم‌سازی انتزاعی^۴ (AC) و نمره‌ی چهارم یعنی جمع نمره داده شده به گزینه‌های ۴ به عنوان شیوه‌ی یادگیری آزمایشگری فعال^۵ (AE) در نظر گرفته می‌شود. نمره‌ی که از بقیه‌ی نمره‌ها بیشتر است بیان‌کننده‌ی شیوه‌ی یادگیری غالب آزمودنی می‌باشد.

محمدزاده (۱۳۸۴: ۸۶) به منظور تعیین روایی (اعتبار) این پرسشنامه از روش همزمان استفاده نموده است. این ضرایب برای شیوه یادگیری تجربه‌عینی (CE) ۰/۷۲، برای شیوه یادگیری مشاهده‌تأملی (RO) ۰/۶۸، برای شیوه یادگیری مفهوم‌سازی انتزاعی (AC) ۰/۷۶ و

-
- 1- Learning Styles Inventory
 - 2- Concrete experience
 - 3- Reflective observation
 - 4- Abstract conceptualization
 - 5- Active examination

برای شیوه یادگیری آزمایشگری فعال (AE) ۰/۶۵ می‌باشد، که همگی در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشند. وی همچنین به منظور سنجش پایایی پرسشنامه‌ی سبک‌های یادگیری از روش‌های آلفای کرونباخ، اسپیرمن براون و تنصیف استفاده نموده و ضرایب پایایی مطلوبی برای این پرسشنامه ارایه داده است.

برای جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ی، شرکت کنندگان در این پژوهش دو پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری شفر و نیز سبک‌های یادگیری کلب را تکمیل نمودند. جهت کنترل اثرهای تقدم و تأخر بر پاسخگویی شرکت کنندگان، نیمی از دانش‌آموزان ابتدا پرسشنامه‌ی فرزندپروری و نیمی دیگر ابتدا پرسشنامه سبک‌های یادگیری را تکمیل نمودند. نکته قابل ذکر این است که در این پژوهش، شیوه‌های یادگیری افراد مورد توجه بوده است نه سبک‌های یادگیری.

یافته‌های پژوهش

همانگونه که پیش‌تر نیز گفته شد، سنخ شناسی (تیپولوژی) فرزندپروری خانواده عبارتست از ترکیب سبک فرزندپروری پدر و مادر در یک خانواده. لذا برای استخراج سنخ فرزندپروری خانواده ابتدا سبک فرزندپروری پدر و مادر مشخص شد. پس از ترکیب سبک فرزندپروری پدر و مادر، سنخ فرزندپروری خانواده استخراج شد. با توجه به وجود چهار سبک اصلی، ۱۶ ترکیب محتمل (۱۶ سنخ) وجود داشت که از این بین تنها سنخ‌هایی وارد تحلیل شدند که فراوانی آنها بالاتر از ۱۵ باشد و سایر سنخ‌ها از تحلیل کنار گذاشته شدند.

جهت پاسخگویی به پرسش اصلی این پژوهش مبنی بر اینکه «آیا سنخ‌های فرزندپروری خانواده می‌توانند بر شیوه‌ی یادگیری فرزندان تأثیر بگذارند یا خیر؟»، نمره‌های فرزندان خانواده‌های دارای شرایط ورود به پژوهش در شیوه‌های مختلف یادگیری یعنی شیوه یادگیری تجربه‌عینی (CE)، شیوه یادگیری مشاهده‌تأملی (RO)، شیوه یادگیری مفهومی سازی انتزاعی (AC) و شیوه یادگیری آزمایشگری فعال (AE) با استفاده از تحلیل واریانس یک راهه (ANOVA) و آزمون تعقیبی شفه مورد مقایسه قرار گرفت.

نتیجه‌ی حاصل از تحلیل واریانس یک راهه جهت مقایسه‌ی نمره‌های شیوه یادگیری

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمودنی‌ها در شیوه یادگیری تجربه‌عینی (CE) بر حسب سنخ‌های فرزندپروری خانواده

سنخ‌های فرزندپروری خانواده	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
مادر(AV) / پدر (AV)	۱۱۵	۳۶/۵۸	۵/۱۷
مادر(AV) / پدر (AN)	۳۰	۲۷/۵۳	۵/۴
مادر(AV) / پدر (I)	۳۶	۳۱/۴۷	۶/۲
مادر(AN) / پدر (AN)	۲۷	۲۷/۰۳	۵/۰۱
مادر(I) / پدر (AV)	۲۵	۳۲/۸۴	۵/۰۰
مادر(I) / پدر (I)	۲۱	۳۴/۳۰	۵/۱۹
مادر(U) / پدر (I)	۴۶	۲۸/۸۵	۶/۷۱
مادر(U) / پدر (U)	۳۹	۲۶/۹۴	۵/۶۹
مجموع	۳۳۹	۳۲/۰۱	۶/۶۳

علامت اختصاری AV: مقتدر علامت اختصاری AN: مستبد

علامت اختصاری I: سهل‌گیر علامت اختصاری U: بی‌اعتنا

تجربه‌عینی در نوجوانان نشان می‌دهد که بین گروه‌های مورد بحث تفاوت معنی‌داری وجود دارد. ($F(7, 331) = 26/77, p < 0/001$). لذا جهت مقایسه‌ی میانگین‌ها از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد. برای پرهیز از گستردگی جدول‌ها تنها مقایسه‌های معنادار گزارش شده‌اند.

جدول ۳. تحلیل واریانس یک راهه جهت مقایسه‌ی نمره‌های آزمودنی‌ها در شیوه‌ی یادگیری تجربه‌عینی بر حسب سنخ فرزندپروری خانواده

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
بین گروهی	۵۳۸۵/۰۱	۷	۷۶۹/۲۸	۲۶/۷۷	۰/۰۰۱
درون گروهی	۹۵۱۰/۹۳	۳۳۱	۲۸/۷۳		
مجموع	۱۴۸۹۵/۹۵	۳۳۸			

جدول ۴. آزمون شفه برای مقایسه میانگین نمره‌های آزمودنی‌ها در شیوه‌ی یادگیری تجربه‌عینی بر حسب سنخ فرزندپروری خانواده

سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها (I-J)	سنخ (J)	سنخ (I)
۰/۰۰۱	۹/۰۴*	مادر (AV) / پدر (AN)	مادر (AV) / پدر (AV)
۰/۰۰۱	۵/۱۱*	مادر (AV) / پدر (I)	
۰/۰۰۱	۹/۵۴*	مادر (AN) / پدر (AN)	
۰/۰۰۱	۷/۷۴*	مادر (I) / پدر (AV)	
۰/۰۰۱	۷/۷۲*	مادر (I) / پدر (I)	
۰/۰۰۱	۷/۲۷*	مادر (U) / پدر (I)	
۰/۰۰۱	۹/۶۳*	مادر (U) / پدر (U)	
۰/۰۰۱	-۶/۷۷*	مادر (U) / پدر (I)	مادر (AV) / پدر (AN)
۰/۰۲۱	-۵/۴۶**	مادر (U) / پدر (I)	مادر (I) / پدر (AV)
۰/۰۴	-۵/۴۴**	مادر (U) / پدر (I)	مادر (I) / پدر (I)
۰/۰۰۱	-۷/۳۴**	مادر (U) / پدر (U)	

*P<۰/۰۰۱

**P<۰/۰۵

همانگونه که از جدول فوق بر می‌آید، سنخ فرزندپروری در برگیرنده‌ی دو والد مقتدر یعنی مادر (AV) / پدر (AV)، به طور معناداری نمره‌های بالاتری را در شیوه یادگیری تجربه‌عینی به دست آورده‌اند. همچنین سنخ فرزندپروری در بردارنده‌ی مادر مقتدر (AV) / پدر مستبد (AN) در شیوه یادگیری فوق تفاوت معناداری را با سنخ مادر بی‌تفاوت (U) / پدر سهل‌گیر (I) نشان داده است. همچنین فرزندان دارای سنخ مادر سهل‌گیر (I) / پدر سهل‌گیر (I) نسبت به دو سنخ مادر (U) / پدر (I) و مادر (U) / پدر (U) به طور معناداری نمره‌های بالاتری در شیوه یادگیری تجربه‌عینی کسب نموده‌اند.

جهت مقایسه نمره‌های شیوه یادگیری مشاهده‌تأملی (RO) در نوجوانان خانواده‌های دارای سنخ‌های متفاوت فرزندپروری نیز از تحلیل واریانس یک راهه (ANOVA) و آزمون تعقیبی شفه استفاده شد که نتیجه‌ها در جدول‌های زیر خلاصه شده است.

جدول ۵. میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمودنی‌ها در شیوه یادگیری مشاهده تأملی (RO) بر حسب سنخ‌های فرزندپروری خانواده

سنخ‌های فرزندپروری خانواده	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
مادر (AV) / پدر (AV)	۱۱۵	۳۲/۴	۳/۹۳
مادر (AV) / پدر (AN)	۳۰	۲۹/۸	۳/۲۹
مادر (AV) / پدر (I)	۳۶	۳۲/۱۱	۵/۶۱
مادر (AN) / پدر (AN)	۲۷	۳۲/۱۴	۲/۷۵
مادر (I) / پدر (AV)	۲۵	۳۱/۶	۳/۹۸
مادر (I) / پدر (I)	۲۱	۳۲/۸۵	۴/۷
مادر (U) / پدر (I)	۴۶	۳۱/۴۱	۳/۷۷
مادر (U) / پدر (U)	۳۹	۳۲/۱۵	۴/۹۸
مجموع	۳۳۹	۳۱/۹۲	۴/۲

جدول ۶. تحلیل واریانس یک راهه جهت مقایسه نمره‌های آزمودنی‌ها در شیوه یادگیری مشاهده تأملی بر حسب سنخ فرزندپروری خانواده

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
بین گروهی	۱۹۸/۹۹	۷	۲۸/۴۲	۱/۶۲	۰/۱۲۷
درون گروهی	۵۷۹۰/۱۶	۳۳۱	۱۷/۴۹		
مجموع	۵۹۸۹/۱۵	۳۳۸			

نتیجه‌ی حاصل از تحلیل واریانس یک راهه جهت مقایسه نمره‌های شیوه یادگیری مشاهده تأملی در نوجوانان نشان می‌دهد که بین گروه‌های مورد بحث تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. ($F(7, 331) = 1.62, p > 0.05$)

برای مقایسه نمره‌های شیوه یادگیری مفهوم‌سازی انتزاعی (AC) در نوجوانان خانواده‌های دارای سنخ‌های متفاوت فرزندپروری نیز از تحلیل واریانس یک راهه (ANOVA) و آزمون تعقیبی شفه استفاده شد که نتیجه‌ها در جدول‌های زیر خلاصه شده است.

جدول ۷. میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمودنی‌ها در شیوه یادگیری مفهوم سازی انتزاعی (AC) بر حسب سنخ‌های فرزندپروری خانواده

سنخ‌های فرزندپروری خانواده	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
مادر (AV) / پدر (AV)	۱۱۵	۳۳/۰۵	۵/۴۷
مادر (AV) / پدر (AN)	۳۰	۳۳/۰۵	۵/۱۲
مادر (AV) / پدر (I)	۳۶	۳۳/۰۵	۴/۲۷
مادر (AN) / پدر (AN)	۲۷	۳۷/۸۱	۳/۵۶
مادر (I) / پدر (AV)	۲۵	۳۲/۲	۴/۹۳
مادر (I) / پدر (I)	۲۱	۳۱/۱۴	۶/۱۱
مادر (U) / پدر (I)	۴۶	۳۶/۶۳	۴/۲۷
مادر (U) / پدر (U)	۳۹	۳۷/۷۴	۳/۲۷
مجموع	۳۳۹	۳۴/۲۸	۵/۲۶

جدول ۸. تحلیل واریانس یک راهه جهت مقایسه نمره‌های آزمودنی‌ها در شیوه یادگیری مفهوم سازی انتزاعی بر حسب سنخ فرزندپروری خانواده

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
بین گروهی	۱۶۵۰/۷۹	۷	۲۳۵/۸۲	۱۰/۱۳	۰/۰۰۱
درون گروهی	۷۷۰۴/۴۵	۳۳۱	۲۳/۲۷		
مجموع	۹۳۵۵/۲۴	۳۳۸			

نتیجه‌ی حاصل از تحلیل واریانس یک راهه جهت مقایسه نمره‌های شیوه یادگیری مفهوم سازی انتزاعی در نوجوانان نشان می‌دهد بین گروه‌های مورد بحث تفاوت معنی‌داری وجود دارد. $(F(7, 331) = 10/13, p < 0/001)$. لذا جهت مقایسه میانگین‌ها از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد. برای پرهیز از گستردگی جدول‌ها تنها مقایسه‌های معنادار گزارش شده‌اند. همانگونه که در جدول فوق پیداست، سنخ‌های فرزندپروری مادر مستبد (AN) / پدر مستبد (AN)، مادر بی‌تفاوت (U) / پدر سهل‌گیر (I) و مادر بی‌تفاوت (U) / پدر بی‌تفاوت (U) به طور معناداری نمره‌های بالاتری را در شیوه یادگیری مفهوم سازی انتزاعی به دست آورده‌اند.

جدول ۹. آزمون شفه برای مقایسه میانگین نمره‌های آزمودنی‌ها در شیوه یادگیری مفهوم سازی انتزاعی بر حسب سنخ فرزندپروری خانواده

سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها (I-J)	سنخ (J)	سنخ (I)
۰/۰۰۴	-۴/۷۶*	مادر (AN) / پدر (AN)	مادر (AV) / پدر (AV)
۰/۰۱۳	-۳/۵۷**	مادر (U) / پدر (I)	
۰/۰۰۱	۴/۶۹***	مادر (U) / پدر (U)	
۰/۰۲۴	-۵/۱۸**	مادر (AN) / پدر (AN)	مادر (AV) / پدر (AN)
۰/۰۰۹	-۵/۱۱**	مادر (U) / پدر (U)	
۰/۰۴۶	-۴/۲۴**	مادر (U) / پدر (U)	مادر (AV) / پدر (I)
۰/۰۱۶	۵/۶۱**	مادر (I) / پدر (AV)	مادر (AN) / پدر (AN)
۰/۰۰۳	۶/۶۷*	مادر (I) / پدر (I)	
۰/۰۰۶	-۵/۵*	مادر (U) / پدر (U)	مادر (AV) / پدر (I)
۰/۰۱۱	-۵/۴۸**	مادر (U) / پدر (I)	مادر (I) / پدر (I)
۰/۰۰۱	-۶/۶***	مادر (U) / پدر (U)	

* P<۰/۰۱ ** P<۰/۰۵ *** P<۰/۰۰۱

در ادامه نمره‌های شیوه یادگیری آزمایشگری فعال (AE) در نوجوانان خانواده‌های دارای سنخ‌های متفاوت فرزندپروری با استفاده از تحلیل واریانس یک راهه (ANOVA) و آزمون تعقیبی شفه مورد مقایسه قرار گرفته که نتیجه‌ها در جدول‌های زیر خلاصه شده است.

جدول ۱۰. میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمودنی‌ها در شیوه یادگیری آزمایشگری فعال (AE) بر حسب سنخ‌های فرزندپروری خانواده

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	سنخ‌های فرزندپروری خانواده
۲/۵	۳۷/۰۷	۱۱۵	مادر (AV) / پدر (AV)
۳/۵۲	۲۹/۱	۳۰	مادر (AN) / پدر (AN)
۲/۴۶	۳۵/۴۱	۳۶	مادر (AV) / پدر (I)
۴/۸	۲۴/۱۴	۲۷	مادر (AN) / پدر (AN)
۴/۴۷	۳۷/۱۲	۲۵	مادر (I) / پدر (AV)
۳/۲۳	۳۸/۹	۲۱	مادر (I) / پدر (I)
۴/۴۶	۲۸/۵۸	۴۶	مادر (U) / پدر (I)
۴/۶۷	۲۸/۸۲	۳۹	مادر (U) / پدر (U)
۵/۸۹	۳۳/۱۷	۳۳۹	مجموع

جدول ۱۱. تحلیل واریانس یک راهه جهت مقایسه نمره‌های آزمودنی‌ها در شیوه یادگیری آزمایشگری فعال بر حسب سنخ فرزندپروری خانواده

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
بین گروهی	۷۴۱۷/۵۲	۷	۱۰۵۹/۶۴	۸۱/۴	۰/۰۰۱
درون گروهی	۴۳۰۸/۴۹	۳۳۱	۱۳/۰۱		
مجموع	۱۱۷۲۶/۰۲	۳۳۸			

نتیجه‌ی حاصل از تحلیل واریانس یک راهه جهت مقایسه نمره‌های شیوه یادگیری آزمایشگری فعال (AE) در نوجوانان نشان می‌دهد که بین گروه‌های مورد بحث تفاوت معنی داری وجود دارد. ($F(7, 331) = 81/4, p < 0/001$). لذا جهت مقایسه میانگین‌ها از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد. برای پرهیز از گستردگی جدول‌ها تنها مقایسه‌های معنادار گزارش شده‌اند.

نگاهی به جدول زیر نشان می‌دهد نوجوانان خانواده‌های دارای سنخ‌های فرزندپروری مادر مقتدر (AV) / پدر مقتدر (AV)، مادر سهل‌گیر (I) / پدر مقتدر (AV) و نیز مادر سهل‌گیر (I) / پدر سهل‌گیر (I) نسبت به سایر سنخ‌ها نمره‌های بالاتری را در شیوه یادگیری آزمایشگری فعال به دست آورده‌اند و این تفاوت با بیشتر سنخ‌های یاد شده تفاوت معناداری می‌باشد.

جدول ۱۲. آزمون شفه برای مقایسه میانگین نمره‌های آزمودنی‌ها در شیوه یادگیری آزمایشگری فعال بر حسب سنخ فرزندپروری خانواده

سنخ (I)	سنخ (J)	تفاوت میانگین‌ها (I-J)	سطح معناداری
مادر (AV) / پدر (AV)	مادر (AV) / پدر (AN)	۷/۹۷*	۰/۰۰۱
	مادر (AN) / پدر (AN)	۱۲/۹۳*	۰/۰۰۱
	مادر (U) / پدر (I)	۸/۴۹*	۰/۰۰۱
	مادر (U) / پدر (U)	۸/۲۵*	۰/۰۰۱
مادر (AV) / پدر (AN)	مادر (AV) / پدر (I)	-۶/۳۱*	۰/۰۰۱
	مادر (AN) / پدر (AN)	۴/۹۵*	۰/۰۰۱
	مادر (I) / پدر (AV)	۸/۰۲*	۰/۰۰۱

ادامه جدول ۱۲. آزمون شفه برای مقایسه میانگین نمره‌های آزمودنی‌ها در شیوه یادگیری آزمایشگری فعال بر حسب سنخ فرزندپروری خانواده

سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها (I-J)	سنخ (J)	سنخ (I)
۰/۰۰۱	-۹/۸*	مادر (I) / پدر (I)	
۰/۰۰۱	۱۱/۲۶*	مادر (AN) / پدر (AN)	مادر (AV) / پدر (I)
۰/۰۰۱	۶/۸۲*	مادر (U) / پدر (I)	
۰/۰۰۱	۶/۵۹*	مادر (U) / پدر (U)	
۰/۰۰۱	۱۲/۹۷*	مادر (I) / پدر (AV)	مادر (AN) / پدر (AN)
۰/۰۰۱	۱۴/۷۵*	مادر (I) / پدر (I)	
۰/۰۰۱	-۴/۴۳*	مادر (U) / پدر (I)	
۰/۰۰۱	-۴/۶۷*	مادر (U) / پدر (U)	
۰/۰۰۱	۸/۵۳*	مادر (U) / پدر (I)	
۰/۰۰۱	۸/۲۹*	مادر (U) / پدر (U)	
۰/۰۰۱	۱۰/۳۱*	مادر (U) / پدر (I)	مادر (I) / پدر (I)
۰/۰۰۱	۱۰/۰۸*	مادر (U) / پدر (U)	

* $P < 0.001$

بحث و نتیجه‌گیری

همانگونه که ملاحظه شد بین نوجوانان خانواده‌های دارای سنخ‌های متفاوت فرزندپروری در زمینه‌ی شیوه‌های یادگیری تفاوت‌های معناداری وجود دارد اگرچه این تفاوت در برخی شیوه‌های یادگیری بسیار زیاد و در برخی دیگر کمتر به چشم می‌آید. در ادامه برای تسهیل بحث در این یافته‌ها، نتیجه‌های مربوط به هر شیوه یادگیری به طور جداگانه مورد بحث قرار خواهد گرفت. پیش از ورود به بحث لازم به یادآوری است این پژوهش از پژوهش‌های پیشرو در نوع خود می‌باشد و در مرور پیشینه، هیچ پژوهشی در این زمینه و حتی زمینه‌های مشابه یافت نشد. لذا عمده‌ی تبیین‌های ارائه شده، صرفاً برداشت نویسندگان می‌باشد.

شیوه یادگیری تجربه عینی: سنخ‌های فرزندپروری در برگیرنده‌ی دو والد مقتدر یعنی مادر (AV) / پدر (AV) و مادر سهل‌گیر (I) / پدر سهل‌گیر (I) به طور معناداری نمره‌های بالاتری را در شیوه یادگیری تجربه عینی به دست آورده‌اند. همچنین سنخ فرزندپروری در بردارنده‌ی مادر مقتدر (AV) / پدر مستبد (AN) در شیوه یادگیری فوق تفاوت معناداری را

با سنخ مادر بی تفاوت (U) / پدر سهل‌گیر (I) نشان داده است. نکته‌ی جالب اینکه فرزندان دارای سنخ مادر سهل‌گیر (I) / پدر سهل‌گیر (I) نسبت به دو سنخ مادر (U) / پدر (I) و مادر (U) / پدر (U) به طور معناداری نمره‌های بالاتری در شیوه یادگیری تجربه‌عینی کسب نموده‌اند. نگاهی به سنخ‌های دارای بیشترین نمره در شیوه‌ی تجربه‌عینی نشان می‌دهد که ویژگی مشترک هر دوی آنها، نمره‌های بالا در بُعد محبت والدینی است. چرا که والد مقتدر کسی است که محبت و کنترل را در سطح بالایی داراست و والد سهل‌گیر نیز دارای محبت بالا اما کنترل پایین است. از سوی دیگر سنخ‌هایی که فرزندان آنها کمترین نمره‌ها را در این شیوه کسب نموده‌اند سنخ‌هایی هستند که در آنها حداقل یکی از والدین بی تفاوت یا مستبد است. جالب اینکه وجه مشترک والد بی تفاوت و مستبد، محبت پایین هر دوی آنهاست. پس می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که محبت و پذیرش بالا با ایجاد احساس امنیت، آرامش و اعتماد به نفس، به نوجوان اجازه‌ی تجربه کردن و آزمودن می‌دهد و به بیان دیگر استفاده از تجربه‌ی عینی را ممکن می‌سازد و در مقابل عدم پذیرش و محبت والدین این قدرت را از نوجوان سلب می‌کند.

شیوه یادگیری مفهوم سازی انتزاعی: نتیجه‌های حاصل از آزمون تحلیل واریانس یکراهه و آزمون تعقیبی شفه نشان داد که سنخ‌های فرزندپروری مادر مستبد (AN) / پدر مستبد (AN)، مادر بی تفاوت (U) / پدر سهل‌گیر (I) و مادر بی تفاوت (U) / پدر بی تفاوت (U) به طور معناداری نمره‌های بالاتری را در شیوه یادگیری مفهوم سازی انتزاعی به دست آورده‌اند. می‌توان گفت یادگیری از طریق مفهوم سازی انتزاعی مستلزم نوعی درون‌نگری است. به بیان دیگر فرد در این شیوه بیش از آنکه به تجربه و آزمایش پردازد، برای یادگیری به درون خود و انتزاعات ذهنی خویش متوسل می‌شود. شاید بتوان گفت بیشتر کسانی که به این شیوه گرایش پیدا می‌کنند که درون‌گراترند یا کمتر اجازه‌ی کاوش و تجربه در محیط بیرون را پیدا می‌کنند. نگاهی به سنخ‌های فرزندپروری بالا نکته‌ی جالبی را روشن می‌سازد و آن اینکه تمامی سنخ‌هایی که بیشترین نمره را در مفهوم سازی انتزاعی دریافت نموده‌اند در یک ویژگی مشترکند و آن عبارتست از محبت و پذیرش پایین! این ویژگی اگرچه در سبک مستبد (AN) با کنترل بالا و در سبک بی تفاوت (U) با کنترل پایین همراه است اما به هر روی می‌تواند نوجوان را به فردی درون پرداز و اندیشناک مبدل کند تا به نوجوانی پرشور و تجربه‌گرا.

شیوه یادگیری آزمایشگری فعال: یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند نوجوانان خانواده‌های دارای سنخ‌های فرزندپروری مادر مقتدر (AV) / پدر مقتدر (AV)، مادر سهل‌گیر (I) / پدر مقتدر (AV)، مادر مقتدر (AV) / پدر سهل‌گیر (I) و نیز مادر سهل‌گیر (I) / پدر سهل‌گیر (I) نسبت به سایر سنخ‌ها نمره‌های بالاتری را در شیوه‌ی یادگیری آزمایشگری فعال به دست آورده‌اند و این تفاوت با بیشتر سنخ‌های یاد شده تفاوت معناداری می‌باشد. آزمایشگری فعال مستلزم داشتن رویکردی فعال (و نه منفعل) در برابر محیط، خطر کردن، آزمودن، خطا کردن و در نتیجه یاد گرفتن است. شاید بتوان گفت فرزندان می‌توانند بدون ترس از شکست و تنبیه دست به آزمایشگری بزنند که از سوی خانواده احساس امنیت، آرامش، اعتماد به نفس، پرسشگری و جسارت را دریافت نموده باشند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند نوجوانانی که والدین خود را مقتدر ادراک نموده‌اند تمایل دارند در راهبردهای یادگیری مؤثرتری درگیر شوند و نیز در متغیرهای مرتبط با تحصیل و آسایش روانی بهتر از دیگران هستند (شاک اسمیت و همکاران، ۱۹۹۵: ۲۵۸؛ اشتنبرگ و همکاران، ۱۹۹۴: ۷۵۹). یافته‌های پژوهش حاضر نیز مؤید این مسأله است. به گونه‌ی که در سه سنخ از سنخ‌هایی که بیشترین نمره را در شیوه آزمایشگری فعال به دست آورده‌اند، حداقل یکی از والدین از سبک فرزندپروری مقتدر سود می‌برد و سنخ مادر سهل‌گیر (I) / پدر سهل‌گیر (I) نیز در ویژگی محبت و پذیرش بالا با سه سنخ دیگر مشترک است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که داشتن حداقل یک والد مقتدر و یا داشتن دو والد محبت‌کننده و پذیرا می‌تواند فرد را به سوی آزمایشگری فعال سوق دهد.

همانگونه که نتیجه‌ها نشان داد، سنخ‌های فرزندپروری در برگیرنده‌ی حداقل یک والد مقتدر که والد دوم نیز محبت بالایی داشته باشد و نیز سنخ‌های در برگیرنده‌ی دو والد سهل‌گیر که نشان دهنده‌ی محبت بالایی هر دو والد است، سبک‌های یادگیری متفاوتی را در فرزندان سبب می‌شوند. اگرچه در بررسی پیشینه‌ی پژوهش، هیچ پژوهشی که به طور مستقیم به رابطه‌ی بین سنخ‌های فرزندپروری و سبک‌های یادگیری پرداخته باشد، یافت نشد اما واگن و همکاران (۲۰۰۹: ۷۳۰) دریافتند که سبک‌های خاص یادگیری با سبک‌های دلبستگی مرتبط‌اند به گونه‌ی که بین سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با سبک‌های یادگیری رقابتی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین این یافته‌ها همسو با یافته‌هایی است که نشان می‌دهد سبک

فرزندپروری مقتدر پیامدهای تحصیلی بهتری را برای دانش‌آموزان به همراه دارد. ابار و همکاران (۲۰۰۹: ۲۶۱) معتقدند سبک فرزندپروری مقتدر با سطوح بالای عملکرد دانشگاهی ارتباط دارد و در مقابل سبک فرزندپروری استبدادی پدران رابطه منفی معناداری با مهارت‌های ادراکی و درک مطلب دارد (روپنارین و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۴۴). پژوهش دیگری نشان داده است که فرزندان خانواده‌های مقتدر از راهبردهای پیشرفت سازگارانه‌تری سود می‌برند که ویژگی این راهبردها سطوح پایین انتظار شکست و فعالیت‌های نامرتب با تکلیف و استفاده بیشتر از اسنادهای تعالی بخش است و در مقابل نوجوانان خانواده‌های بی‌تفاوت از راهبردهای ناسازگارانه شامل سطوح بالای انتظار شکست و فعالیت‌های نامرتب با تکلیف و سطوح پایین اسنادهای تعالی بخش، بیشتر استفاده می‌کنند (آنولا و همکاران، ۲۰۰۰: ۲۱۱).

نکته‌ی مهم و قابل توجه این است که یافته‌های این پژوهش تنها قسمتی از واقعیت موجود را توصیف نموده است و این یافته‌ها نمی‌تواند دلیل بر برتری شیوه‌ی از یادگیری بر شیوه‌ی دیگر باشد. آنچه یادگیرنده را موفق می‌کند، استفاده‌ی مناسب از تمامی شیوه‌های یادگیری در هنگام لزوم است و نه برتری صرف یکی بر دیگری. با این وجود نگاهی کلی به نتیجه‌ها نشان می‌دهد داشتن والدینی مقتدر، داشتن حداقل یک والد مقتدر و یا والدینی گرم و پذیرا می‌تواند زمینه‌ی مناسبی را برای استفاده‌ی نوجوان از تمامی شیوه‌های یادگیری ایجاد نماید.

لازم به ذکر است با توجه به بدیع بودن متغیرهای مورد بررسی (سنخ‌شناسی فرزندپروری خانواده و شیوه‌های یادگیری)، بزرگترین محدودیت پیش روی این پژوهش، نبود پیشینه‌ی پژوهشی در این باره بود که ناخواسته ضعف‌هایی را در بعضی بخش‌ها از جمله پیشینه و بحث در یافته‌ها ایجاد نمود. در پایان از همکاری صمیمانه‌ی دانشجویان رشته‌ی روان‌شناسی دانشگاه پیام نور بروجن در جمع‌آوری داده‌ها قدردانی به عمل می‌آید. ضمناً این پژوهش بدون حمایت مالی نهادهای خاص انجام شده است.

منابع

فارسی

- سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۹). *روان‌شناسی پرورشی*، تهران: انتشارات آگاه.
- سیفی، محمدیاسین؛ کلانتری، سارا؛ فتح، نجمه (۱۳۸۸). سنخ‌شناسی فرزندپروری خانواده (ترکیب سبک فرزندپروری پدر و مادر) و تأثیر آن بر اضطراب و افسردگی نوجوانان: رویکردی نو به فرزندپروری، *اصول بهداشت روانی*، ۳ (۴۳)، ۱۸۵-۱۹۴.
- خزایی، کامیار (۱۳۸۵). سبک‌های یادگیری، چالوس: نشر دانشگاه آزاد اسلامی.
- محمدزاده، رجبعلی (۱۳۸۴). *مقایسه دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز با سبک‌های مختلف یادگیری از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی، انگیزه پیشرفت و عملکرد تحصیلی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

لاتین

- Abar, B., Carter, K. L., & Winsler, A. (2009). The effects of maternal parenting style and religious commitment on self-regulation, academic achievement, and risk behavior among African-American parochial college students. *J Adolescence*, 32, 259-273.
- Aunola, K., Stattin, H., & Nurmi, J. E. (2000). Parenting styles and adolescents' achievement strategies. *J Adolescence*, 23, 205-222.
- Balswick, J., & Macrides, C. (1975). Parental stimulus for adolescent rebellion, *J Adolescence*, 10 (38), 53-56.
- Bulanda, R. E. (2004). Paternal involvement with children: The influence of gender ideologies. *J Marriage and Family*, 66, 42-44.
- Kalbali I. (1994). [Investigation of parenting styles, social class and attribution styles]. MA. Dissertation. Shiraz: Shiraz University, *College of Education Science*, 125-131.(Persian).
- Kolb, D. (1985). *The learning style inventory, Technical Manual*: Boston, MA: Mcber.
- Laibel, D., & Carlo, G. (2004). The differential relations of maternal and paternal support and control to adolescent social competence, self-worth and sympathy. *J Adolescent Research*, 19, 778-781.

- Lewis, C., & Lamb, M. E. (2003). Fathers influences on children's development: The evidence from two- parent families. *Euro J Psychology of Education, 18*, 211-277.
- Maccoby, E. E., & Martin, J. A. (1983). Socialization in the context of the family: parent-child interaction. *Handbook of Child Psychology*. New York: Wiley, 97-101.
- Marsiglio, W., Amato, P., Day, R. D., & Lamb, M. E. (2000). Scholarship on fatherhood in the 1990s and beyond. *J Marriage and Family, 62*, 1173-1193.
- Mckinney, C., & Renk, K. (2008). Differential Parenting between Mothers and Fathers: Implications for Late Adolescents. *J Family Issues, 29* (6), 806-827.
- Peterson, E. R., Rayner, S. G., Armstrong, S.G. (2009). Researching the psychology of cognitive styles and learning styles: Is there really a future? *J learning and individual differences, 19*, 518-523.
- Renk, K., Roberts, R., Roddenberry, A., Luick, M., Hillhouse, S., & Meehan C. (2003). Mother, fathers gender role and time parent spend with their children. *J Sex Roles, 48*, 305-315.
- Roopnarine, J. L., Krishnakumar, A., Metindogan, A., & Evans, M. (2006). Links between parenting styles, parent-child academic interaction, parent-school interaction, and early academic skills and social behaviors in young children of English-speaking Caribbean immigrants. *J Early Childhood Research Quarterly, 21*, 238-252.
- Sabattini, L., & Leaper C. (2004). The relation between mother's and father's parenting styles and their division of labor in the home: Young adults' retrospective reports. *J Sex Roles, 50*, 217-225.
- Simons, L. G., & Conger, R. D. (2007). Linking Mother-Father Differences in Parenting to a Typology of Family Parenting Styles and Adolescent outcomes. *J Family Issues, 28* (2): 218-222.
- Steinberg, L., Lamborn, S., Dornbush, S., & Darling N. (1994). Over-time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent and neglectful families. *J Child Development, 65*, 758-763.
- Shucksmith, J., Hendry, L. B., & Glendinning, A. (1995). Models of parenting: implications for adolescent well-being within different types of family context. *J Adolescence 1995, 18* (3), 253-270.
- Vaughn, L. M., Battle, J. V., Taylor, T., & Dearman, L. (2009). Learning styles and the relationship to attachment styles and psychological symptoms in college women. *J College Student Journal, 43* (3), 723-735.

Walker, T. D. (2000). 10 Best teaching practices. London: Corwin Press, Inc.

Woolfolk, A. E. (1995). Educational psychology (6th ed). Boston: Allyn and Bacon.

